

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه
پیاده‌سازی			

مبحث نقد بودن وعده‌های الهی (۱۶۱ ف ۱ - ۱۶۱ ف ۳)

❁ روزی شیخ محمد تقی بافقی یزدی در مسجد دولاب آماده‌ی گفتن تکبیرة الاحرام نماز جماعت بود. که زنی از در مقابل او وارد مسجد شد تا به شیخ اقتدا کند. در حالی که از جلوی شیخ می‌گذشت، او را دعا کرد و به آرامی به او گفت: خدا عاقبتت را به خیر کند. شیخ هم گفت: چه عاقبت به خیری بهتر از این؟ الله اکبر و وارد نماز شد.

مرحوم حاج آقای دولابی رحمته الله علیه اینجا خاطره‌ای را نقل کردند. روزی شیخ محمد تقی بافقی یزدی در مسجد دولاب آماده‌ی گفتن تکبیرة الاحرام نماز جماعت بود. بعضی از عزیزان مرحوم شیخ محمد تقی بافقی را می‌شناسند. شخصیت بسیار والامقام علمی، معنوی، فقیه بزرگوار و مسؤول بیت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه (مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم) و امین ایشان بودند. از آن طرف فرد بسیار شجاع و با شهامتی نیز بودند و در برابر داستان کشف حجاب رضاخانی قد علم کردند و رضاخان آن گونه به ایشان حمله کرد و با چکمه‌های خشن سربازی خودش مرحوم شیخ محمد تقی بافقی رحمته الله علیه را زیر ضربات لگد گرفت و بعد هم ایشان را از قم به شهرری تبعید کرد. مدت زیادی آنجا بودند و بعد از رحلت، در حرم حضرت معصومه علیها السلام نزدیک قبور مراجع تقلید در مسجد بالای سر حضرت دفن شدند.

حاج شیخ محمد تقی بافقی رحمته الله علیه یکی از مربیان حاج آقا دولابی رحمته الله علیه نیز بود؛ یعنی در مسیر تربیت عرفانی و معنوی، یکی از کسانی که در پرورش حاج آقای دولابی رحمته الله علیه سهم داشت، ایشان بود که در مقدمه‌ی مصباح‌الهدی به آن اشاره شده است.

حاج شیخ محمدتقی بافقی رحمته الله حالات بسیار عجیبی داشت و بنابه نقلی تشرّفاتى هم خدمت حضرت ولی عصر ارواحنفاده داشته است. به هر حال انسان والا، عارف، فقیه، مؤمن، شجاع و بصیری بودند. شخصیت بسیار عظیم القدری است.

حاج آقای دولابی رحمته الله از حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی خواهش کرده بودند که به مسجد دولاب که ظاهراً مسجدی بود که امام جماعت نداشت، بیایند و مدتی در آن مسجد نماز جماعت برگزار شود. نقل کرده اند روزی موقع نماز جماعت بوده است و حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمته الله هم امام جماعت و آماده ی تکبیرة الاحرام گفتن بودند؛ که زنی از در مقابل ایشان وارد مسجد می شود؛ ظاهراً مسجد طوری بوده است که درب ورودی، نزدیک محراب قرار داشته است. این خانم وارد مسجد شد تا به صف نماز جماعت در قسمت خانمها برود و به شیخ محمدتقی بافقی رحمته الله اقتدا کند. شیخ آماده بود تکبیرة الاحرام بگوید که پیرزن از جلوی او رد شد و او را دعا کرد. مؤمنین نسبت به روحانیون اهل معنا محبت و اعتقاد دارند؛ این پیرزن هم برای حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمته الله دعای خیر کرد و به آرامی گفت: خدا عاقبتت را به خیر کند. شیخ هم گفت: چه عاقبت به خیری از این بهتر؟! الله اکبر، تکبیرة الاحرام را گفت و وارد نماز شد.

جلسات قبل اشاره کرده ایم چه می خواهیم؟ بزرگتر از نماز چه چیزی هست که از رهگذر نماز بخواهیم به آن برسیم؟ چه چیزی بزرگتر از اینکه انسان بتواند با رب العالمین خلوت کند. با او سخن بگوید؛ نرد عشق ببازد و راز دل بگوید! چه چیزی بزرگتر از این؟ انسان می خواهد به کجا برسد؟ عاقبت فرد به خیر شود یعنی چه؟ یعنی پولدار شود؟ یعنی به بهشت برود؟ به او حوری و قصر بهشتی بدهند؟ به او میوه های بهشتی بدهند که بخورد؟ جامه های فاخر بهشتی تنش کنند؟ زیورها و زینت های بهشتی به او ببخشند؟ عاقبت به خیری یعنی این؟! یا اینکه نه، اوج خیر این است که «**فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ**

مُقْتَدِر^۱ انسان به مقام عنداللّهی برسد؛ انسان به لقاء و وصال الهی برسد؛ چه عاقبتی به خیرتر از این؟ چه چیزی قشنگ‌تر از این؟! با این نماز می‌خواهیم به چه برسیم بزرگتر از خود این نماز؟! لذا حاج شیخ محمدتقی بافقی رحمته‌الله گفت: چه عاقبت به‌خیری از این بهتر؟ این اوج عاقبت به‌خیری است که انسان بتواند با خدا سخن بگوید؛ با پروردگارش گفتگو کند.

خدا حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمته‌الله را رحمت کند، این جمله را مکرر از ایشان نقل کرده‌اند که می‌فرمود: لذتی که یک انسان اهل باطن و اهل معنا در نماز می‌چشد، سلاطین عالم در همه‌ی عمر بویی از آن لذت نمی‌برند و اگر می‌دانستند چه لذتی در نماز وجود دارد، سلطنت و همه چیز را رها می‌کردند و سراغ نماز می‌آمدند. چه چیزی بزرگتر از نماز؟ چه لذتی بزرگتر؟ لذا در حالات سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه نقل شده است که فردی در مکاشفه یا رویایی دید که سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه در بهشت نشسته است و در حالت توجّه خاصی فرو رفته است. دور و بر او را تعداد زیادی حوری و غلمان برای مصاحبت و خدمتگزاری گرفته‌اند و سلمان اصلاً نگاهی به اینها نمی‌کند. حواسش جای دیگر است. بالاخره صدای این حوری‌ها و غلمان‌ها درآمد و به خداوند عرض کردند: پروردگارا! ما از اعمال صالح سلمان رضی‌الله‌عنه برای اینکه سلمان رضی‌الله‌عنه از ما بهره‌برد و ما به او خدمت کنیم، خلق شده‌ایم؛ اما سلمان رضی‌الله‌عنه اصلاً یک نگاه هم به ما نمی‌کند. از جانب پروردگارتعالی به سلمان امر شد که یک نگاه به اینها بیندازد. سلمان رضی‌الله‌عنه سرش را پایین آورد و نگاهی به دور و برش کرد و اینها کلی کیفشان جور شد؛ خوشحال شدند که بالاخره سلمان رضی‌الله‌عنه توجّهی به ما کرد. نگاه کوتاهی به آنها انداخت و گفت: پروردگارا! دیدار من با شما چقدر دور شد! و دوباره در حالت جذبۀ فرو رفت تا میلیونها سال دیگر.

کنار دیدار خداوند، دیدار حوری و غلمان چه است؟ «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ؛ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»^۲ کسی که به لقاءالله رسیده است؛ کسی که به ربّ خودش ناظر است و نظر می‌کند، برایش نگاه به حور، غلمان،

^۱ سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۵۵.

^۲ سوره‌ی قیامت، آیه‌های ۲۲ و ۲۳.

قصر و اطعمه‌ی بهشتی، زیورها و جامه‌های فاخر بهشتی جذابیّتی ندارد! چی بزرگتر از این؟! امیدوارم خداوند ذائقه‌ی روح ما را باز کند تا حلاوتی که در ذکر و عبادت خدا وجود دارد را بچشیم. وقتی این حلاوت را چشیدیم، با هیچ شیرینی در عالم، نه فقط در این عالم، حتی با هیچ شیرینی در آخرت هم عوض نمی‌کنیم.

امام سجّاد علیه السلام در مناجات‌المحبّین به خدا عرض می‌کند: «**الهی مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا**»^۳ خدایا! چه کسی است که حلاوت و شیرینی محبّت تو را چشید، امّا چیزی به جای آن اختیار کرد؟ چیزی جایگزین آن طلب کرد.

امیدوارم ذائقه‌های ما حلاوت عشق و محبّت الهی، حلاوت ذکر و عبادت پروردگار را بچشد؛ آن وقت می‌بینید که شیرین‌تر از این، هیچی نیست. عطا‌های خدا نقدند است.

🌸 **نقد بفروش و نقد بخر. مؤمن هر وقت نور خوبان را می‌بیند، صلوات می‌فرستد. هر وقت هم خوبان او را نگاه می‌کنند، بی‌اختیار صلوات می‌فرستد.**

نقد بفروش و نقد بخر. این همان عبارت فارسی است که حاج ملاّ آقا جان عربی آن را می‌گفت: «**اتَّجِرَ نَقْدًا بِنَقْدٍ يَأْخِي**» نقد به نقد معامله کن. هم نقد بخر و هم نقد بفروش.

مؤمن هر وقت نور خوبان را می‌بیند، صلوات می‌فرستد. هر وقت هم خوبان او را نگاه می‌کنند، بی‌اختیار صلوات می‌فرستد. مگر می‌شود نور امیرالمؤمنین علیه السلام، نور فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، نور اباعبدالله علیه السلام و نور حضرت ولی‌عصر ارواحنفا‌ده را دید و صلوات نفرستاد! لذا وقتی نور خوبان را می‌بیند (امیدوارم این نور را در قلب‌ها مشاهده کنیم) صلوات می‌فرستد.

هر وقت هم خوبان او را نگاه می‌کنند، بی‌اختیار صلوات می‌فرستد. بعضی وقت‌ها فرد حواسش نیست و قصد ذکر گفتن و صلوات فرستادن را هم ندارد؛ ولی یک‌هوا صلوات بر زبانش جاری می‌شود. این برای وقتی است که از آن طرف نگاهش کرده‌اند. دیدید نقد خرید و نقد هم فروخت.

^۳. مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۱۴۸ و محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، مناجات‌خمس‌ه‌عشر، مناجات‌المحبّین.

در روایات بنابه نقل می‌گویند وقتی حضرت ولی عصر ارواحنفاذاه ظهور می‌کنند و حکومت حضرت مستقر می‌شود، خرید و فروش‌ها با صلوات است ایستگاه‌های صلواتی در دوران جنگ از همان الگو استفاده کرده بودند. ایستگاه درست کرده بودند و چای، شربت، خوراکی و هر چیزی را وقتی یک صلوات می‌فرستادی به تو می‌دادند. در زمان ظهور حضرت ولی عصر ارواحنفاذاه نیز همین‌طور می‌شود؛ همه چیز با صلوات خرید و فروش می‌شود. امیدوارم این را همین الآن ببینیم؛ یعنی با صلوات بخریم و با صلوات بفروشیم. صلوات هم یعنی محبت خوبان. امیدوارم با محبت بخریم و با محبت هم بفروشیم. در جمله‌های مصباح است که حاج آقای دولابی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمود: از بچگی شنیده بودم وقتی حضرت ولی عصر ارواحنفاذاه ظهور می‌کنند با صلوات خرید و فروش می‌شود؛ اما این را ندیده بودم؛ ولی بعدها دیدم از اول عمر، همین کار را می‌کنم! مثلاً یک نانوائی نزدیکی خانه‌ی ما بود که خیلی از او خوشم نمی‌آمد؛ اما یک نانوائی خیلی دورتر از خانه‌ی ما بود که او را دوست داشتم. وقتی مادرم می‌گفت برو نان بخر، به آن نانوائی که دورتر بود می‌رفتم؛ یعنی هر کاری داشتم سراغ کسی که دوستش داشتم می‌رفتم؛ ولو گرانتر بود؛ ولو دورتر بود؛ ولو هرچه بود؛ یعنی با محبت معامله می‌کردم؛ با محبت رفتار می‌کردم. حقیقت صلوات هم محبت خوبان خداست.

🌸 ایمان ده مرتبه دارد. هر مرتبه‌ی ایمان فجر کاذب، فجر صادق و بین الطلوعین (که خود ده حالت مختلف دارد) و نیمروز و ظهر و عصر دارد. خداوند می‌پرسد: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» آیا صبح نزدیک نیست؟ سؤال شخص بزرگ معنی دار است. یعنی خوب چشمت را باز کن، صبح که شده هیچ، ظهر هم شده است.

ایمان ده مرتبه دارد. ایمان یک مرتبه نیست و از آغاز گره خوردن دل مؤمن با حقایق عالم شروع می‌شود تا اوجش که جز خدا چیزی در دل شخص باقی نمی‌ماند.

هر مرتبه‌ی ایمان فجر کاذب، فجر صادق و بین الطلوعین دارد (که خود ده حالت مختلف دارد) وقتی سحر است اول یک سفیدی می‌زند که فرد خیال می‌کند صبح شده است؛ اما این صبح نیست، همان فجر کاذب است و بعد از چند دقیقه دوباره مخفی می‌شود. هوا تاریک می‌شود؛ منتها فجر کاذب هم

خبر از نزدیک شدن فجر صادق می‌دهد. در حالات سیر باطنی هم این‌گونه است. گاهی طلوع‌هایی می‌شود، نورهایی در باطن شخص می‌درخشد که اصلی نیست، فجر کاذب است؛ اما بد هم نیست. فجر کاذب خبر می‌دهد که فجر صادق و طلوع‌های حقیقی نزدیک است. وقتی فجر صادق شد، اذان صبح را گفتند، از اذان صبح تا طلوع آفتاب، افق را نگاه کنید؛ هر ده دقیقه‌ای یک حالت دارد؛ رنگ به رنگ می‌شود. دائم جلوه عوض می‌کند. پس هر مرتبه‌ی ایمان فجر کاذب، فجر صادق و بین الطلوعین و نیمروز (نیمروز مثلاً ساعت ده صبح) و ظهر (که زوال است و خورشید روی نصف‌النهار می‌آید) و عصر دارد. یعنی هر مرتبه‌ی ایمان تمام این مراحل را دارد؛ چه کلاس اول ایمان باشی، چه کلاس دوم و سوم، در هر کلاسی این مراتب را طی می‌کنی.

خداوند می‌پرسد: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»^۴ آیا صبح نزدیک نیست؟ یعنی تویی که الآن فکر می‌کنی در شب ظلمانی دنیا گیری؛ چون دنیا لیل است «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً»^۵ دنیا لیل است و «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُجِّدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا»^۶ لیل طویل برزخ و لیل اولی دنیا است. دنیا تاریک و وادی ظلمت است. خداوند از کسی که خودش را در دنیا می‌بیند سؤال می‌کند: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» آیا صبح نزدیک نیست؟

بعد فرمود: سؤال شخص بزرگ، معنی دار است؛ یعنی خوب چشم‌هایت را باز کن صبح که شده هیچ، ظهر هم شده است. یعنی نقد است. همین الآن است. ظهر قیامت همین الآن است. به شرط اینکه چشمت را باز کنی. فکر نکن باید بمیری، برزخ طی شود، بعد مراحل طی شود؛ نه عزیز من! همین الآن است. خدا می‌پرسد: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» صبح نزدیک نیست؟ یعنی کمی حواست را جمع کن. چرا هی وعده‌ی نسبه می‌دهی که کی قیامت شود؟ همین الآن حواست را جمع کن بین صبح نزدیک

^۴. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۸۱.

^۵. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۹.

^۶. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۶.

نیست؟ یعنی نزدیک است؛ نزدیک که هست هیچ؛ صبح گذشته و ظهر شده است. یعنی همین الآن حقیقت قیامت برپاست. ما هستیم که باید توجه‌مان به قیامت برود. توجه ما هر جا برود، آنجا برای ما نقد است. توجه ما به دنیا باشد، دنیا برایمان نقد است. توجه ما به برزخ باشد، برزخ نقد است. توجه‌مان به قیامت باشد، قیامت نقد است. توجه‌مان هر جا باشد، همان جا نقد است. توجه‌مان هر جا باشد همان جا هستیم. توجه‌مان به دنیا، پول، ثروت، مقام و نفسانیات باشد در دنیا هستیم. همین الآن اگر توجه ما به زیبایی‌های اخلاقی و لطافت‌های روحی برود همین الآن در برزخ هستیم. از برزخ سر در آوردیم، اصلاً دنیا را یاد نمی‌کنیم؛ دنیايمان طی و تمام شد. محبت دنیا رفت؛ محبت مال، مقام، لذایذ، شهوات، شهرت و امثال این حرف‌ها همه رفت. حالا در چیزهای لطیف‌تر و قشنگ‌تر آمدیم که در برزخ هستیم. برزخ برای صفات است. اگر از اینها هم بالاتر رفتید، توجه ما پیش خدا و خوبان خدا - رفت، آن وقت همین الآن در قیامت و در محضر خدا هستید. «عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»^۷ همین الآن، همین - جا. نقد است! نسیه بودنش برای خواب آلود بودن ماست. ما غالباً خواب آلود هستیم. امیدوارم ما در جمعمان خواب نداشته باشیم. دوست اهل بیت علیهم‌السلام خواب نیست. اهل دنیای صرف خواب هستند. دوستان اهل بیت علیهم‌السلام خواب آلود هستند؛ یعنی بین خواب و بیداری هستند.

امیدوارم بیداری کامل حاصل شود، خدا و خوبان خدا را در همین عالم ببینیم. چرا هی وعده دهیم که قیامت برویم، بهشت در جوار پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام جا پیدا کنیم؟ چرا این حرف‌ها را همین الآن نقد نکنیم؟ چرا همین الآن امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نبینیم. به خدا می‌توان حضرت را دید، می‌توان طوری زندگی کرد که یک لحظه از حضرت جدا نبود. با حضرت بگویی؛ از حضرت بشنوی؛ با حضرت بخوری؛ با حضرت بنوشی؛ با حضرت قدم بزنی؛ با حضرت بخوابی؛ وقتی هم می‌خواهی بخوابی سرت را بگذاری روی زانوی حضرت و بخوابی. امیدوارم خدا بیدارمان کند. همه‌ی نسیه بودنش برای خواب

^۷ سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۵۵.

آلود بودن ماست. می‌شود. خیلی به دور محوّل نکنیم؛ خیلی نزدیک است. فرمود: «أَلَيْسَ الصُّحُّ

بِقَرِيبٍ» صبح نزدیک نیست؟ یعنی نزدیک است.

امیدوارم باور کنیم و باور که کردیم، باور یاور ما می‌شود و به کمک ما می‌آید. کسری ما در باورهایمان است. در باورهایمان یک خورده شل هستیم. باور جدّی شود، همه چیز نقدنقد می‌شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ